



همه چیز حساب دارد!

۱۶ - یا بنی انہا ان تک مثقال حبة من خردل فتکن
فی صخرة او فی السموات او فی الارض یا تبہا اللہ ان اللہ
لطیف خبیر .

: اگر چیزی باندازه سنگینی يك دانه خردل (از اعمال بشر)
در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمانها و زمین باشد خداوند آنرا
حاضر میسازد (و حساب آنرا دارد) خداوند دقیق و آگاه
است .

جهانی که مادر آن زندگی میکنیم ، اندازه و وسعت زمین و آسمانهای آن برای ما پوشیده
است و تا کنون کسی بطور تحقیق وسعت آنرا بدست نیاورده است ، آنچه مسلم است اینست که هر
اندازه علم گامهای بلندتری در گشودن رازهای جهان ما بر میدارد ، انسان بوسعت و پهناوری
و عظمت جهان بالا بیشتر پی میبرد .
روزگاری دانش بشر در پیرامون جهانی محدود بیک مرکز (زمین) و نه فلک بود ، و معتقد
بود ، که پس از نه فلک هیچ چیز وجود ندارد .

تحقیقات دانشمندانی مانند «کپرنیک» و «گالیله» این فرضیه را بهم زد ، و با چشمهای
مسلح جهانی را دیدند که طول و عرض و با اصطلاح صحیحتر وسعت و پهنای آنرا نمیتوان با مترو
فرسخت معین و تحدید نمود . ناچار شدند با مقیاس دیگری این فواصل را تعیین کنند ، آن مقیاس
نورین برای تعیین فواصل ستارگان «سیر نور» است ، نور در هر ثانیه ، سیصد هزار کیلومتر که با
پنججاه هزار فرسنگ معادل است راه می پیماید و اگر مقدار مزبور را ضرب در شصت کنیم سرعت سیر نور
در هر دقیقه به ۳ ملیون فرسنگ میرسد .

بنا بر این نور میتواند در يك ثانیه ۷ مرتبه دور زمین که چهل هزار کیلومتر است

اکنون که مسلم است نور خورشید تقریباً در ظرف هشت دقیقه بزمین میرسد ، بایست گفت نورد در این مدت کوتاه ۲۴ میلیون فرسنگ راه می پیماید ، و فاصله این سیاره (زمین) با مرکز خود (خورشید) تقریباً ۲۴ میلیون فرسنگ است .

عقل و هوش در برابر این وسعت و عظمت مبهوت و حیران است در صورتی که این محاسبه مربوط به یک سیاره از یک منظومه شمسی است ، در حالیکه منظومه شمسی مادر برابر صد ها هزار منظومه و سحابی بسیار ناچیز و بی ارزش است .

آنچه مسلم است اینست که در این سالیان اخیر قدم های بزرگی در راه درک عظمت و وسعت عوالم نجومی برداشته شد که از میزان تصور انسانی خارج است .

« فلما ریون » فاصله دورترین سحابیها (عوالم نجومی خارج از کهکشان ما) را پنج میلیون سال نوری فرض کرده ولی امروز از هزار میلیون سال نوری هم بیشتر شمرده میشود و عدد آنها تا جایی که معلوم شده به میلیونها میرسد .

هیچ بعید نیست معلومات کنونی بشر در برابر معلومات آیندگان بسان اطلاعات پیروان « بطلموس » نسبت به اطلاعات کنونی بشر باشد ، و بشر آئینده باین اندازه گریها لبخند بزند و یادیده حقارت بنگرد !

قرآن این حقائق را در یک آیه کوتاه بیان فرموده است: **لَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** (سوره مؤمن آیه ۵۷): آفرینش زمین و آسمانها بر خلاف تصور بیشتر مردم بالاتر و بزرگتر از آفرینش بشر است .

لقمان بفرزند خود چه میگوید ؟

مکتب اخلاقی و تربیتی لقمان دارای فصول و برنامه های گوناگونی است ، که یکی پس از دیگری در ضمن چند آیه خواهد آمد . نخستین برنامه تربیتی بی خداشناسی و مبارزه با تمام اقسام شرک بود ، دومین برنامه او معرفی و شناساندن خدا بوسیله یکی از صفات کمال او که همان احاطه علمی خدا است بر تمام موجودات و اینکه هیچ چیز هر قدر جزئی و کوچک باشد از نظر او مخفی و پنهان نیست ، آغاز می گردد .

لقمان بایاد آوری و یا تعلیم این قسمت از صفات خدا غرض تربیتی دارد ، و آن اینست : اکنون که مادر برابر یک چنین خدای آگاه از تمام امور قرار گرفته ایم ، بایست بدانیم خدا بحساب تمام کارهای ما از کوچک و بزرگ خواهد رسید .

اکنون ما در هر دو مرحله (آگاهی خدا بر تمام امور ، و رسیدگی خدا بتمام کارهای بشر) بطور اجمال سخن میگوئیم .

قرآن خداوند را چگونه معرفی مینماید ؟

قرآن احاطه علمی خدا را به تمام موجودات با جمله های گوناگونی بیان نموده و مقام مقدس الهی را از جهل بهر امری ولو کوچک باشد منزه و مبرادانسته است . اینک آیاتی چند در این باره :

۱ - **لَا يَعْزِبُ عَنْهُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (سبا آیه ۳) :** هموزن

ذره‌ای در زمینها و آسمانها بر خداوند پوشیده نیست ۱ .

۲ - و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين (انعام ۵۹) ؛ کلیدهای اسرار غیب نزد خداست که جز او کسی از آنها اطلاعی ندارد و آنچه در خشکی و دریاهاست میداند ، هیچ برگ درختی نمیریزد مگر اینکه از آن آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در دل زمین ، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مبین (لوح محفوظ) منعکس است .

خلاصه آیه‌های زیادی در قرآن است که تسلط علمی خدا را بر امور جهان و بر آنچه در دایره هستی رخ میدهد روشن مینماید **ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء** . (آل عمران-۵) چیزی از حوادث زمین و آسمان بر خدا پوشیده نمی ماند .

مقایسه میان قرآن و تورات در احاطه علمی خدا

تورات داستان آدم و حواری در بهشت بصورت بسیار زنده‌ای نقل کرده ، و نسبت‌هایی بخداداده که عقل و فطرت از قبول آن ابادارد ، تا آن حد که سخن را پانینجا رسانیده ؛ خدادار بهشت قدم میزد و از جای آدم که در بهشت بود آگاهی نداشت ، برای پیدا کردن آدم ، ناچار شد که صدا بزند و بگوید: آدم! آدم کجائی ؟ آدم از مخفیگاه خود پاسخ داد که علت اختفاء من اینست که برهنه هستم، پنهان شدم ! (سفر تکوین)

راستی میتوان باور کرد که این تورات با این نقص و خرافات همان کتاب آسمانی است ، که در قرآن درباره آن چنین میفرماید: **هدى ورحمة للذين هم لربهم يرهبون** (اعراف-۱۵۴) : تورات کتابی است که سراسر آن هدایت و رحمت برای کسانی است که از خدای خود بترسند .

مقایسه قرآن با تورات و انجیل ، در داستان‌هایی که از انبیاء نقل شده ، و مارف و اصول ، حکمی که قرآن آورد ، با خرافات و مطالب بی پایه‌ای در برابر آنها که در کتب عهدین است ، خود داستان مفصلی دارد که در فرصت دیگری باید از آن بحث کرد .

لقمان میگوید : هر کس بعکس العمل کار خود می‌رسد

لقمان در نخستین پند خود ، فرزند عزیزش را متوجه عبادت و ستایش خدا نمود و او را از انواع شرك بازداشت . و در دومین پند خود مکتب جزای اعمال را بروی او باز کرد ؛ و یکی از صفات خدای بزرگ را متذکر می‌گردد و می‌گوید: « هر بشری هر عملی را ولو باندازه یکدانه خردل باشد ، انجام دهد و آنرا در دل سنگها و یا فضای لایتناهای آسمانها پنهان سازد خدا بحساب عمل او خواهد رسید ، و بتعبیر قرآن خدا آنرا خواهد آورد .

جمله **يأت بهما الله** احتمالات زیادی دارد که در اینجا می‌آوریم :

۱ - هر عمل بصورت خاصی در روز رستاخیز در برابر انسان مجسم میگردد ، نماز و روزه بیکه صورت ، اعمال ناشایست بصورت های دیگر ، چنانکه صریح آیه ۳۵ سوره برائت اینست که طلا و نقره های اندوخته شده ، که حقوق فقرا از آن پرداخته شده و با احتیاج مسلمانان حبس گردیده است روز رستاخیز با آتش مبدل شده و پشانی و پهلو ی صاحبان آنها را با نهاداغ میکنند .

یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم
 هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکفرون : بیاد آرند روزی را که طلا و نقره های گنج شده در آتش جهنم سرخ میگردد ، و پشانی و پهلو و پشت های آنها را با آن داغ میکنند ، این همانست که آنها را گنجینه و ذخیره کرده بودید در این صورت رنج آن گنج را بچشید !
 شاید مراد ائمان اینست که هر عمل خوب و بدی روز قیامت بفرمان خدا بصورت مخصوص آن ، حاضر میگردد و مجسم میشود .

۲ - ممکن است ، مقصود این باشد که روز رستاخیز اعمال انسان با همان کم و کیف و خصوصیاتش که در دنیا داشته است ، بدون کوچکترین تفاوت در برابر دیدگان انسان هنگام محاسبه حاضر میگردد ، اما طرز حاضر کردن این اعمال چگونه میباشد بر ما پوشیده است .

این حقیقت ، یعنی احضار اعمال ، (بطریقی که اکنون برای ما پوشیده است) از آیه های زیر نیز استفاده میشود :

۱ - **یوم تجد کل نفس ما عمارت من خیر محضراً** - (آل عمران ۳۰)

۲ - **ووجدوا ما عملوا حاضراً ولا یظلم ربك اهداً** (کهف ۴۹) یعنی : اعمال خود را حاضر می بینند و پروردگارتو با احدی ظلم نمیکند .

۳ - **ومن یعمل مثقال ذرة خیر ایره** (زلزله ۷) : هر کس بسنگینی ذره ای عمل خیر انجام دهد آنرا می بیند .

آخرین احتمال : آخرین احتمال درباره جمله **یا ت بها الله** اینست ، که بشر دیر یا زود ؛ بسزای کردار خود میرسد ، و هر کرداری اثره مخصوص و عکس العملی دارد که از آن جدا نمیکردد ، چه بسا این عکس العملها در این جهان دامنگیر او گردد .

این گنبد نیلگون ، این طاق برافراشته آسمان ، بساز طاقهای ساخته بشر است ، که هر گونه صدای زیر آن انعکاس مخصوصی دارد ، و در این جهان مادی آثار اعمال ما بخود ما بازگشت می کند هرگز دلیل ندارد ، که ما فقط در انتظار روز رستاخیز بنشینیم که در آنجا مجازات شویم ؛ بلکه پیش از آن روز ، هر فردی میوه نهال اعمال خود را در این سرای خواهد چید .

خداوند نهال اعمال نیک هر زن و مردی را در این جهان برورش میدهد و او را از اعمال خود بهره مند میسازد . چنانکه میفرماید **من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون** (انعام ۵۴) : هر فرد با ایمانی عمل صالحی انجام دهد - خواهد مرد باشد یا زن ، او را زندگی پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را بهترین اعمالی که انجام داده اند عطا خواهیم کرد .